

Received: 2022/6/28

Accepted: 2023/6/7

from 203 to 219

Seyyed Naghi Mousavi

Assistant Professor, Department of
Educational Sciences, Farhangian
University.
snmosavi57@cfu.ac.ir

Explanation of the educational implications of Ziarat Ashura

Abstract

The secular education, based on its own theoretical foundations, seeks to eliminate the presence of religion in schools, and based on this idea, the presence of “Ashura Culture” in recent years in Iran’s formal education system has been criticized. This paper attempts to interpret the “Ashura Culture” as a grand theory and the visitation of Ashura as a “curriculum” and to explain the educational implications of this pilgrimage from the perspective of “philosophy of education”. The research method is descriptive-inferential. The author initially refers to the credibility of the Ashura visitation document and its oldest narrations, and then by indexing, coding, and classifying concepts and reasons, gathers the set of implications of the Ashura visitation and then categorizes them into four areas of “religious and worship education”, “ethical and emotional education”, “social and family education”, and “political education”. In the final step, the educational implications for each area of education were explained and described, based on the verses of this pilgrimage document.

Keywords:

Hosseini education, religious education, secular education, Toli and Tabari, Shiite education

تبیین از دلالت‌های تربیتی «زیارت عاشورا»

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۴/۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۳/۱۷

از صفحه ۲۰۳ تا صفحه ۲۱۹

سیدنقی موسوی

گروه آموزشی علوم تربیتی، دانشگاه

فرهنگیان

snmosavi57@cfu.ac.ir

چکیده

تربیت سکولار به اقتضای پشتوانه‌های تئوریک خود، درصدد عقب راندن حضور دین در مدارس است و مبتنی بر همین تفکر، حضور «فرهنگ عاشورا» در سال‌های اخیر در تربیت رسمی ایران با انتقاداتی روبرو شده است. نوشتار حاضر تلاش خواهد کرد که «فرهنگ عاشورا» را به‌مثابه یک کلان‌نظریه و زیارت عاشورا را به‌عنوان یک «برنامه‌ی درسی» تلقی کند و از دیدگاه «فلسفه‌ی تربیت»، دلالت‌های تربیتی این زیارت‌نامه را تبیین نماید. روش پژوهش توصیفی-استنباطی است. نویسنده در ابتدا به اعتبار سندی زیارت عاشورا و قدیمی‌ترین نقل‌های آن اشاره کرده و سپس با نمایه‌زنی و کدگذاری و طبقه‌بندی مفاهیم و مدالیل، مجموعه دلالت‌های زیارت عاشورا را گردآوری نموده و سپس آن‌ها را در چهار ساحت «تربیت اعتقادی و عبادی»، «تربیت اخلاقی و عاطفی»، «تربیت اجتماعی و خانوادگی» و «تربیت سیاسی» دسته‌بندی کرده است. در واپسین گام، تلاش شد دلالت‌های تربیتی ناظر به هر ساحت تربیتی با استناد به فرازهای این زیارت‌نامه تشریح و تبیین شود.

واژگان کلیدی:

تربیت حسینی، تربیت دینی،

تربیت سکولار، تولی و تبری،

تربیت شیعی.

۲۰۴

دوفصلنامه علمی-پژوهشی

آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث

دوره ۸، شماره ۲، پیاپی ۱۶

بیان مسئله

جریان «تربیت سکولار» و «تربیت لیبرال» در یک «توافق راهبردی» و نانوشته دست‌به‌دست هم داده‌اند و تلاش می‌کنند، بر اساس مبانی فلسفی خود، حضور دین و نمادهای آن را در تعلیم و تربیت و به‌ویژه تربیت رسمی کاهش دهند. این تلاش در دهه‌های اخیر در کشورهای اروپایی و آمریکایی شدت گرفته است و تا آنجا که به حذف کامل دین و مناسک دینی در محتوا و برنامه‌ها در برخی مدارس انجامیده است. داوری درباره‌ی زوایی یا نازوایی «سکولاریسم تربیتی» و تلاش برای حذف دین از مدارس و تربیت رسمی در نوشتار حاضر نمی‌گنجد؛ زیرا باید به بستریهای فکری و فرهنگی و اقتضائات اجتماعی طرح «آموزش‌وپرورش سکولار» و نسبت آن با «تربیت دینی» توجه کرد و اهداف و کارکردهای آن را بررسی نمود (نک: موسوی، ۱۳۹۵ الف).

از نسبت و تقابل «تربیت سکولار» و «تربیت دینی» در غرب مدرن که بگذریم، اندیشه‌ی کاهش مضامین و مناسک دینی از «تربیت دینی رسمی» در ایران اسلامی نیز کمابیش در لفافه مطرح می‌شود. پس از انقلاب اسلامی در ایران، حضور فرهنگ عاشورا و مناسک و آداب مربوط به آن (سینه‌زنی، قرائت زیارت عاشورا، دسته‌روی، نمادها و المان‌های مربوط مانند پرچم‌ها، پیراهن مشکی و...) در «تعلیم و تربیت رسمی» شدت گرفت و با توجه به رویکرد جمهوری اسلامی در دفاع و ترویج «فرهنگ حسینی»، این مناسک به‌صورت رسمی در مدارس انجام می‌شود.

نوشتار حاضر بدون آنکه بخواهد به گردآوری و مستندسازی دیدگاه «تربیت سکولار» در این زمینه بپردازد و یا بخواهد مبانی فلسفی حذف المان‌های عاشورایی در آموزش‌وپرورش را گردآوری و صورت‌بندی کند،^۱ درصدد است «فرهنگ عاشورا» و به شکل خاص، متن زیارت عاشورا را از دیدگاه «آموزه‌های تربیتی» تحلیل نماید تا میزان تناسب این زیارت را با فضاهای تربیتی بررسی کند. نوشتار حاضر تلاش خواهد کرد، «فرهنگ عاشورا» را به‌مثابه یک کلان‌نظریه و زیارت عاشورا را به‌عنوان یک «برنامه‌ی درسی» و «برنامه‌ی آموزشی» تلقی نماید و از دیدگاه «فلسفه‌ی تعلیم و تربیت» و «فلسفه‌ی برنامه‌ی درسی» (و یا «ایدئولوژی‌های برنامه‌ی درسی» (میلر، ۱۳۹۳)، نگاهی به متن این زیارت بیفکند و از دلالت‌های تربیتی آن سخن به میان آورد.

روش‌شناسی پژوهش حاضر توصیفی و استنباطی است. پژوهشگر در ابتدا فقرات مختلف متن را بر اساس مفاهیم و مضامین تربیتی کدگذاری/نمایه‌گذاری می‌کند و سپس نمایه‌های مشابه را در یک طبقه قرار می‌دهد و در گام سوم، با نگاه مجموعی به هر طبقه، به کشف دلالت‌های

۱- حافظه‌ی تاریخی مطبوعات جمهوری اسلامی اندیشه‌هایی را ثبت کرده که در آن، عزاداری برای سیدالشهدا^(ع) و فرهنگ شهادت و ایثار و مقاومت، خشونت و خشونت‌آفرینی خوانده می‌شد؛ مانند این عبارات: «فرهنگ شهادت، خشونت‌آفرین است. اگر کشته شدن آسان شد، کشتن هم آسان می‌شود. روایت هم داریم: من هانت علیه نفسه فلا تأمن شره» (سروش، ۱۳۷۸، ص ۲)؛ «هیئت‌های مذهبی منشأ خشونت‌اند و بسیجی‌ها اعضای تشکیل‌دهنده‌ی این هسته‌ها هستند» (قوچانی، ۱۳۷۹، ص ۳).
به استفاده‌ی مغالطه‌آمیز آقای سروش از روایت «من هانت علیه نفسه فلا تأمن شره» (کسی که خود را کوچک می‌شمارد و به آن اهانت می‌کند، از شر او ایمن مباش!) خوب دقت کنید. بر اساس این سخن، «شهادت‌طلبی» و «فدا کردن جان برای اهداف انسانی و الهی»، «اهانت به نفس» و «خودکم‌بینی» است. با این استدلال، حسین‌بن‌علی^(ع) نیز فردی خودکم‌بین بود که شر آن به لشکر یزید هم رسیده و موجب خشونت شده است!

تربیتی حاکم بر هر طبقه اقدام می‌نماید؛ به عبارت دیگر، این مقاله در شمار «تفسیر موضوعی» می‌گنجد. شرح و تفسیر (قرآن کریم) دستکم دو گونه‌ی تربیتی و موضوعی دارد. در تفسیر ترتیبی، مفسر به تفسیر آیات و فقرات قرآن کریم به ترتیب (خواه به ترتیب قرآن موجود و یا به ترتیب نزول) اقدام می‌کند؛ اما در تفسیر موضوعی، مفسر تلاش دارد در سه گام اقدام نماید: در ابتدا، آیات مرتبط یک موضوع را شناسایی، نمایه‌زنی و گردآوری کند و سپس طبقه‌بندی و در گام سوم، به تفسیر آیات یک طبقه/موضوع با نظر به یکدیگر بپردازد. کشف معارف تربیتی اسلام به صورت جامع و نظام‌وار از رهگذر تأسیس و تقویت شاخه‌هایی چون تفسیر تربیتی قرآن، حدیث تربیتی و سیره‌ی تربیتی در کنار فقه تربیتی و اخلاق تربیتی و فلسفه‌ی تربیتی اسلام خواهد بود (موسوی، ۱۳۹۵ ب، ص ۱۸) و نوشتار حاضر درصدد توسعه‌ی قلمرو حدیث تربیتی (به معنای تفسیر تربیتی احادیث و کشف دلالت‌ها و آموزه‌های تربیتی آن) است.

دلالت‌شناسی در پژوهش حاضر به معنای فرایند فهم و استنباط و تفسیر متن است و در علوم اسلامی، به شکل ویژه در دانش اصول فقه در مباحث الفاظ، تئوری‌پردازی شده است. دلالت به معنای راهنمایی دال به مدلول و بر سه قسم دلالت عقلی، طبیعی و وضعی است. دلالت عقلی از ملازمه‌ی ذاتی میان وجود خارجی دال و مدلول خبر می‌دهد و دلالت طبیعی، از ملازمه‌ی ناشی از طبیعت انسان؛ اما دلالت وضعی ناشی از جعل و قرارداد میان انسان‌هاست و به دو دسته‌ی دلالت لفظی (دلالت لفظ بر معانی) و غیرلفظی (دلالت علائم، نشانه‌ها و قرائن بر معانی) تقسیم می‌شود. نوشتار حاضر به لحاظ روش‌شناختی، در شمار کشف دلالت‌های لفظی (شرح و تفسیر تربیتی یک متن) است. دلالت لفظی نیز به سه گونه است: الف. دلالت مطابقی که لفظ بر همه‌ی معنا دلالت می‌کند؛ ب. دلالت تضمینی که دلالت لفظ است بر بعضی از معنا؛ ج. دلالت التزامی که عبارت است از دلالت لفظ بر معنایی خارج از معنای وضع‌شده‌ی خود که ملازم معنا است؛ همچنین دلالت‌های تضمینی و التزامی فرع دلالت مطابقی به‌شمار می‌روند (نک: موسوی، ۱۳۹۵ ج) در این پژوهش، مؤلف تلاش می‌کند تا دلالت‌های لفظی و لسانی از متن زیارت عاشورا مبتنی بر قواعد حاکم بر فهم متن (در علم تفسیر و اصول فقه) را استنباط نماید و آن دلالت‌ها را به فضای تعلیم و تربیت نسبت دهد.

پرسش مهمی که در تحدید معنای «دلالت تربیتی» در نوشتار حاضر نقش‌آفرین است، این است که مدالیل/برداشت‌هایی که می‌تواند از زیارت عاشورا استنباط شود، با چه معیاری موصوف به وصف تربیتی خواهد شد؟ در مقام تبیین «وجه تربیتی بودن مدالیلی که استنباط خواهند شد»، چند نکته گفته‌ی است:

۱. زیارت عاشورا مملو از ارزش‌های اعتقادی، اجتماعی و سیاسی اسلام است (مانند توحید، ظلم‌ستیزی، معاد، تولی و تبری و...). همه‌ی این‌ها را می‌توان در شمار مبانی هستی‌شناسانه، انسان‌شناسانه، ارزش‌شناسانه و معرفت‌شناسانه تربیت قلمداد کرد و از این جهت، دلالتی تربیتی دانست، آن‌گونه که در رویکرد استنتاج (به‌عنوان رویکرد سنتی در فلسفه تعلیم و تربیت) عمل می‌شود. در این رویکرد، گزاره‌های فلسفی متافیزیک، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی، حاوی

«دلالت‌هایی» برای تعلیم و تربیت هستند (بهشتی، ۱۳۸۶، ص ۱۰).

۲. به‌عنوان توجیه دوم باید گفت، بر اساس قرینه مقامیه‌ی عام می‌دانیم که معصومان^(ع) در ادعیه و زیارت‌ها، در مقام تعلیم پیروان خود بوده‌اند؛ زیرا اساساً مبلغ و مفسر دین و مربی مردم هستند. زیارت عاشورا نیز در پاسخ راوی، از سوی امام باقر^(ع) انشا و القا شد؛ بنابراین، توجیه همه‌ی زیارت عاشورا در شمار ادبیات تعلیمی و سیره‌ی تربیتی امام^(ع) است و سبک و روش تربیتی حضرت^(ع) به انضمام قاعده‌ی اسوه^۱ قابل‌تعمیم و تأسی است. سبک و محتوای زیارت عاشورا به‌عنوان یک زیارت مأثور و دلالت‌های لفظی و لَبّی کلام، ذاتاً موصوف به تربیت است و قابل تأسی برای دیگر مربیان.

درباره‌ی پیشینه پژوهش حاضر باید متذکر شد که شرح و تفسیرنویسی زیارت عاشورا بی‌سابقه نیست؛ همچنین در تلاش برای برداشت‌های تربیتی از فرهنگ عاشورا و یا سیره امام حسین^(ع) و یا دیگر زیارت‌ها و حتی مَقْتَل‌ها، تحقیقاتی دیده می‌شود که پیشینه‌ی خاص این پژوهش تلقی نمی‌شود^۲ و در حد اطلاع، مطالعه‌ی زیارت عاشورا و کشف دلالت‌های تربیتی آن سابقه‌ای ندارد.

یافته‌های پژوهش

«زیارت عاشورای معروفه»^۳ زیارت‌نامه‌ی امام حسین^(ع) و شهدای کربلا است که از امام باقر^(ع) نقل شده است و حضرت در پاسخ به درخواست راوی که زیارت‌نامه‌ای برای زیارت از راه دور درخواست کرده بود، این زیارت را القا کردند. قدیمی‌ترین مرجع این زیارت‌نامه دو کتاب است: کامل‌الزیارات ابن‌قولویه (م. ۳۶۷) (۱۳۵۶، ص ۱۷۵) و مصباح‌المتجهّد شیخ طوسی (م. ۴۶۰) (۱۴۱۱، ص ۷۷۳). بر اساس بررسی‌های تفصیلی، دو سند در کامل‌الزیارات و سه سند در مصباح برای این زیارت نقل شده است که دست‌کم بنا بر مبنای وثوق مخبری، سند دوم شیخ طوسی (۱۴۱۱، ص ۷۷۸) صحیح است و برخی اسناد دیگر هم بنا بر برخی مبانی قابل تصحیح. بنا بر مبنای وثوق خبری نیز امکان اعتبار سند وجود دارد (آصفی، ۱۳۸۸، رضایی، ۱۳۸۷، محمدی مظفر، ۱۳۸۵، قربانی مقدم، ۱۳۹۵).

میان نسخه‌ی کامل‌الزیارات و مصباح‌المتجهّد تفاوت و تباین چشم‌گیری نیست و تفاوت‌هایی در برخی الفاظ دیده می‌شود. نسخه کامل‌الزیارات علی‌رغم تقدّم زمانی در طول تاریخ، مهجور شده و نقل مصباح‌المتجهّد در کتب ادعیه شیعه شهرت یافته است؛ کتبی چون ذخیره‌الآخره سبزواری (قرن ۶)، المزار الکبیر محمد بن المشهدی (م. ۶۱۰)، نزهه‌الزاهد از مؤلفی ناشناخته (قرن ۶ یا نیمه‌ی اول قرن ۷)، مصباح‌الزائر از ابن‌طاووس (م. ۶۶۴)، المزار شهید اول (م. ۷۸۶)، البلد الامین و نیز کتاب‌المصباح

۱- «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب: ۲۱).

۲- مانند «معناشناسی تربیت اسلامی مبتنی بر متن مقاتل در واقعه‌ی عاشورا» (محمدی و دیگران، ۱۴۰۰)؛ «عاشورا تبلور دیدگاه‌های نوین تربیتی: سیره‌ی تربیتی امام حسین^(ع) بستر ساز خودگردانی متعالی» (بدیعیان و دیگران، ۱۳۹۹)؛ «الگوی روابط انسانی در تربیت دینی با تأکید بر سیره امام حسین^(ع)» (بدیعیان و دیگران، ۱۳۸۸)؛ «آموزه‌ها و دلالت‌های نهضت عاشورا برای تربیت سیاسی» (یوسف‌زاده و شاه‌مرادی، ۱۳۹۷).

۳- و نه زیارت عاشورای غیرمعروفه که شیخ عباس قمی آن را پس از زیارت عاشورای معروفه و پیش از زیارت اربعین در مفاتیح‌الجنان نقل کرده است (قمی، ۱۳۸۴، ص ۷۰۹).

و نیز کتاب جنبه الامان کفعمی (م. حدود ۹۰۰)، بحارالانوار و زادالمعاد علامه مجلسی (م. ۱۱۱۱) و مفاتیح‌الجنان شیخ عباس قمی. درباره‌ی دلایل شهرت یافتن نسخه‌ی مصباح المتهجد و مهجور شدن نسخه کامل الزیارات می‌توان به دلایلی چون جامعیت و تبویب نیکوی کتاب مصباح، جایگاه رفیع شیخ طوسی و نیز شهرت خاص کتاب‌های کفعمی و شیخ عباس قمی در عصر ما اشاره کرد (ایزدی و ملکی‌معاف، ۱۳۹۲). در نوشتار حاضر، نسخه‌ی رایج و مشهور زیارت عاشورا مبنای پژوهش بوده است.

فرازهای مختلف زیارت عاشورا حاوی چند موضوع کلی است: ۱. فرازهای متعددی حاوی سلام بر امام حسین^(ع) و یاران است؛ ۲. فرازهای متعدد و متناوبی به لعن و تبری از قاتلان پرداخته است؛ ۳. در چند فراز از خونخواهی سخن گفته شده است؛ ۴. در چند فقره، به اظهار تولی و ولایت‌پذیری اشاره شده است؛ ۵. در برخی فرازها از بزرگی مصیبت قتل امام حسین^(ع) گفته شده است. در ادامه تلاش می‌شود، مجموعه برداشتها و دلالت‌های این زیارت در قالب ساحت‌های مختلف تربیتی طبقه‌بندی و گردآوری و دلالت‌های تربیتی آن تبیین گردد.

جایگاه زیارت در تربیت شیعی

علقمه (راوی زیارت عاشورا) پس از پایان نقل متن این زیارت، از امام کاظم^(ع) نقل می‌کند که ایشان با تأکید می‌فرماید: «اگر می‌توانی هرروز امام حسین^(ع) را از منزلت با این متن زیارت کن» (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۷۷۲).

زیارت عاشورا به‌مثابه «محتوای تربیتی» و «ماده‌ی درسی» در مدرسه‌ی عاشورا (و مجالس ذکر و عزا) است که مبتنی بر یک فلسفه و پشتوانه‌ی نظری است و خواننده خود را در فرازهای مختلف از دل تاریخ عبور می‌دهد و آموزه‌ها و ارزش‌های عاشورایی را به وی آموزش می‌دهد و عواطف و گرایش‌های وی را با خود همراه می‌کند. در زیارت‌ها، زائر خود را در مقابل الگو و اسوه‌ی خود می‌بیند و آداب حضور را تمرین می‌کند و اعمال و افکار خود را به محک امام خود می‌سنجد و تلاش می‌کند در این «حضور»، به تزکیه و پالایش درون و برون خود بپردازد؛ به عبارت دیگر، زیارت در «فلسفه‌ی تربیتی شیعه»، یک «روش تربیتی» است که معمولاً با «محتوایی تربیتی و فاخر» همراه است.

همچنین «زیارت عاشورا» در طول قرون میان شیعیان سینه‌به‌سینه در محافل، ذکرشده و تکرار آن به لحاظ تربیتی بر مخاطبان و شرکت‌کنندگان در جلسات مؤثر است و در روند طبیعی خود، «انتقال فرهنگ» و «درونی‌سازی ارزش‌ها» را رقم می‌زند و موجب شکل‌گیری «هویت دینی» و «هویت شیعی» در خوانندگان و حاضران در جلسه می‌شود. به نظر می‌رسد ظرفیت تربیتی زیارت، ابعاد و زوایای مختلفی دارد و نیازمند پژوهش‌های مستقل روان‌شناختی و تربیتی است.

تربیت اعتقادی و عبادی

۱. توحید روح همه‌ی دعاها و زیارت‌ها در اسلام است. دانش‌آموز مکتب عاشورا می‌داند که همه چیز بر محور توحید است و ولایت‌پذیری و تولی نیز باید حول محور توحید باشد: «أَسْتَلُّ

اللَّهِ الَّذِي أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِكُمْ» و در مقابل، تبری و برائت هم باید توحیدی باشد: «فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً؛ بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ». زائر در این زیارت با خطاب قرار دادن خداوند متعال، توحید جامع و گسترده را در همه‌ی نیازها و خواسته‌های خود تمرین می‌کند: «مَرَاتِبِكُمْ الَّتِي رَزَبْتُكُمْ اللَّهُ فِيهَا؛ أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ؛ أَسْأَلُ اللَّهَ بِحَقِّكُمْ؛ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي؛ اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ؛ وَ لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكَ؛ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ؛ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ.»

۲. قُرْبُ الهی به‌عنوان هدف غایی در تربیت اسلامی خوانده می‌شود. در زیارت عاشورا، متربی می‌آموزد قُرب و تقرب به خداوند و خداگونه شدن از مسیر ولایت اولیای الهی می‌گذرد و تولی و تبری دو طریق برای وصول به خداگونه‌شدن است: «إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَى رَسُولِهِ وَ إِلَى امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ إِلَى فَاطِمَةَ وَ إِلَى الْحَسَنِ، وَ إِلَيْكَ مَوْلَاتِكَ، وَ بِالْبَرَاءَةِ؛ اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ، وَ فِي مَوْقِفِي هَذَا، وَ أَيَّامِ حَيَاتِي بِالْبَرَاءَةِ مِنْهُمْ، وَ اللَّعْنَةِ عَلَيْهِمْ، وَ بِالْمَوْلَاتِ لِتَيْبِكَ وَ آلِ نَبِيِّكَ.»

۳. تربیت حسینی در آینده‌ی زیارت عاشورا، هم مبتنی بر ستون‌های معرفت‌شناسانه (اللَّهِ الَّذِي أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِكُمْ) است که معرفت را نوعی کرامت الهی می‌داند و هم بر پایه‌های هستی‌شناسانه و جهان‌بینی توحیدی در افق هستی استوار است، آن‌گونه که مصیبت نوه‌ی پیامبر^(ص) نیز در افق جهانی و کل هستی تفسیر می‌شود: «وَ عَظَّمْتَ مُصِيبَتِكَ فِي السَّمَاوَاتِ عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ؛ وَ أَعْظَمْتَ رَزِيئَتَهَا فِي الْإِسْلَامِ وَ فِي جَمِيعِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ.»

۴. زیارت عاشورا مانند همه ادعیه و زیارات، بهترین روش برای تربیت عبادی و تربیت معنوی است و فرصت تجربه‌ی ارتباط خاص با معنویت توحیدی را فراهم می‌سازد. معمای صد لعن و صد سلام در زیارت عاشورا نمونه‌ی بارزی از تأکید بر ذکر و تکرار و تمرین در نظریه‌ی یادگیری این زیارت است. در تربیت معنوی، اذکار و اوراد جایگاه مهمی در پالایش درون و پرواز روح دارد و ادیان آسمانی نسخه‌ی تربیت معنوی توحیدی (و نه تربیت معنوی سکولار) را تجویز می‌کنند که «اذکار و اوراد» و «تکرار» جایگاه مهمی در آرامش‌بخشی و ایجاد زمینه‌ی نفسانی و روان‌شناختی برای اتصال به مبدأ هستی دارد. در انتهای نقل زیارت عاشورا، علقمه از امام^(ع) نقل می‌کند که اگر می‌توانید، هرروز این زیارت را خطاب به امام حسین^(ع) بخوانید (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۷۷۷) که نقش بی‌بدیل تکرار و استمرار در تربیت معنوی و تربیت عبادی را آشکار می‌کند.

تربیت اخلاقی و عاطفی

تربیت اخلاقی^۱ یکی از ساحت‌های تربیتی است که وظیفه‌ی انتقال ارزش‌های اخلاقی را از نسلی به نسلی دیگر بر عهده دارد و امروزه در جوامع مدرن، جانشینی برای خلأ دین و دارویی برای پیامدهای سکولاریسم به‌شمار می‌رود که به‌تبع حذف تربیت دینی، تحقیقات گسترده‌ای در زمینه‌ی تربیت اخلاقی و تربیت معنوی^۲ را رقم زده است.

1- Moral Education

2- Spiritual Education

اخلاق و تربیت اخلاقی در متن و فرامتن زیارت عاشورا اهمیت والایی دارد. برخی از دلالت‌های این زیارت، در ساحت تربیت اخلاقی به شرح زیر است:

۱. کار ویژه‌ی «تربیت اخلاقی» در نظام‌های تعلیم و تربیت، تنها آموزش اخلاقیات و یا درونی‌سازی ارزش‌های «اخلاق فردی» نیست، بلکه آموزش «اخلاق اجتماعی» نیز باید مدنظر باشد. زائر زیارت عاشورا، با داوری اخلاقی درباره‌ی پایمال کردن حقوق اجتماعی دیگران و ظلم و ستم به دیگران و لزوم ظلم‌ستیزی در جای‌جای این زیارت آشنا می‌شود و آن را در خود درونی می‌کند و این‌گونه پرورش اخلاقی می‌گردد که عدالت بالاترین ارزش اخلاقی است و ظلم در همه‌ی اعصار و امصار، از نظر اخلاقی مردود است و داستان عاشورا داستان ظلم به شخص و شخصیت و اندیشه بوده است: «فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسَّسَتْ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ؛ وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكُمْ؛ وَ جَرَى فِي ظُلْمِهِ وَ جَوْرِهِ عَلَيْكُمْ.»

۲. فلاسفه‌ی اخلاق در باب «گستره‌ی عمل انسان» و «عمل فردی و جمعی» آرای‌ی دارند. دانش‌آموخته‌ی زیارت عاشورا می‌آموزد که تمهید و تمکین در برابر ستم نیز در «قضاوت‌های اخلاقی» مذموم و قبیح است: «وَ لَعَنَ اللَّهُ الْمُؤْمِدِينَ لَهُمْ بِالْمُكْمِلِينَ مِنْ قِتَالِكُمْ؛» و دامنه‌ی عمل انسان محدود به «عمل انفرادی» نیست و «انعکاس جمعی» آن نیز در «ترازوی اخلاق» قرار می‌گیرد، حتی افعال به‌ظاهر کوچک و بی‌ارزش؛ مانند تنظیم لجام اسب، نقاب بستن، سکوت، مشایعت، بیعت و تبعیت از جریان ستم: «فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسَّسَتْ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ؛ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسْرَجَتْ وَ أَلْجَمَتْ وَ تَنَقَّبَتْ لِقِتَالِكِ؛ اللَّهُمَّ الْعِنِ الْعِصَابَةَ الَّتِي جَاهَدْتَ [حَارَبْتَ] الْحُسَيْنَ وَ شَايَعْتَ وَ بَايَعْتَ وَ تَابَعْتَ عَلَي قَتْلِهِ.»

۳. ثبات و تغییر ارزش‌های اخلاقی از دیگر مباحث فلسفه‌ی اخلاق و مبانی تربیت اخلاقی است. آیا ارزش‌های اخلاقی زمان‌مند هستند؟ در کلاس درس این زیارت، خواننده غیرزمان‌مند بودن برخی از ارزش‌ها/ضد ارزش‌ها (مانند ظلم و قتل) را می‌آموزد و درک می‌کند که ناقضان ارزش‌های اخلاقی به‌صورت «ابد الابدین» مورد سرزنش هستند: «اللَّهُمَّ الْعِنِ أَبَاسُفِيَانَ وَ مُعَاوِيَةَ وَ يَزِيدَ بَنَ مُعَاوِيَةَ عَلَيْهِمْ مِنْكَ اللَّعْنَةُ أَبَدَ الْأَبْدِينَ.»

۴. از مهم‌ترین وظایف مربی اخلاق در فرایند تربیت اخلاقی، ایجاد تعادل میان کشش‌ها و گرایش‌های متربی و یا تعدیل و تصعید آن‌ها است. تولی به معنای گرایش و محبت به جبهه‌ی خیر و تبری به معنای دوری عاطفی و رفتاری از جبهه‌ی شر، در جای‌جای زیارت عاشورا به خواننده‌ی آن آموزش داده می‌شود تا بر سامانه‌ی توحید و ولایت، عواطف و رفتارهای خود را تنظیم کند: «يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَى رَسُولِهِ وَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِلَى فَاطِمَةَ وَ إِلَى الْحَسَنِ وَ إِلَيْكَ مَوْلَايَكَ وَ بِالْبِرَاءَةِ مِمَّنْ أَسَّسَ أَسَاسَ ذَلِكَ؛ إِنِّي سَلَّمُ لِمَنْ سَأَلْتُمْ وَ حَرَبْتُ لِمَنْ حَارَبَكُمْ وَ وَلى لِمَنْ وَالَاكُمْ وَ عَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكُمْ؛ اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَ فِي مَوْقِفِي هَذَا وَ أَيَّامِ حَيَاتِي بِالْبِرَاءَةِ مِنْهُمْ وَ اللَّعْنَةِ عَلَيْهِمْ وَ بِالْمَوْلَاةِ لَتَيْبِكَ وَ آلِ نَبِيِّكَ.»

در زیارت عاشورا، ماده‌ی لعن چه به‌صورت فعل (لَعَنَ) و چه اسم (اللَعْنُ)، حدود ۲۰ مرتبه تکرار شده و واژه‌ی برائت و برئت نیز ۷ مرتبه آمده است. در زیارت عاشورا، در ۱۰ فراز واژه‌ی سلام

تکرار گردیده است (غیر از «علیه‌السلام») که زائر به امام^(ع) و شهیدان درود می‌فرستد و در ۸ فراس نیز ناظر به اظهار تولی و ولایت‌پذیری است: «سَلِّمْ لِمَنْ سَأَلَكُمْ ۲ بار؛ اِنِّی اَتَقَرَّبُ... اِلَیْکَ بِمَوْلَاتِکَ ۲ بار؛ وَ وَلِی لِمَنْ وَالَاکُمْ؛ مَعْرِفَةَ اَوْلِیَائِکُمْ؛ وَ بِالْمُوَالَاةِ لِتَبِیْکَ؛ اِرْزُقْنِی شَفَاعَةَ الْحُسَیْنِ.» زیارت عاشورا صحنه‌ی تربیت عاطفی و اخلاقی است و دانش‌آموز این مدرسه مدیریت عواطف و تعادل احساسات را تمرین می‌کند.

۵. صداقت و راستی آن‌هم صداقت در عمل از مهم‌ترین منازل اخلاق و «صعود اخلاقی» است. خواننده‌ی زیارت عاشورا «قدم صدق» را از خداوند طلب می‌کند و به‌مثابه یک هنجار اخلاقی در زندگی خود پی می‌گیرد و این «مآل اخلاقی» را نصب‌العین اعمال خود قرار می‌دهد: «وَ اَنْ یَثْبِتَ لِی عِنْدَکُمْ قَدَمَ صِدْقٍ فِی الدُّنْیَا وَ الْاٰخِرَةِ؛ وَ ثَبَّتْ لِی قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَکَ مَعَ الْحُسَیْنِ وَ اَصْحَابِ الْحُسَیْنِ.»

۶. زائر این زیارت صبر و تحمل مصیبت‌ها را تمرین می‌کند؛ آن‌هم مصیبتی که سنگینی آن (قتل حسین ع) بر تمام آسمان و زمین سنگین است: «اَنْ یُعْطِیْنِی مِصَابِی بِکُمْ اَفْضَلَ مَا یُعْطِی مُصَاباً بِمِصِیْبَتِهِ مُصِیْبَةٌ مَا اَعْظَمَهَا وَ اَعْظَمَ رَزِیْتَهَا فِی الْاِسْلَامِ وَ فِی جَمِیْعِ السَّمَاوَاتِ وَ الْاَرْضِ»؛ آن‌هم عزاداری و صبری از روی ایمان و آگاهی و بصیرت تاریخی، نه صبر ناشی از عجز و ناتوانی (صبر فعال و نه منفعل) و در فرازی دیگر، شکر در مصیبت را به‌مثابه منزلی از «منازل السائرین»^۱ کارورزی می‌فاید و مقام «شاکرین» را طلب می‌کند: «اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاکِرِیْنَ عَلَی مُصَابِهِمْ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَی عَظِیْمِ رَزِیْتِی.»

۷. زیارت عاشورا اهداف متعددی را برای فرایند تربیت اخلاقی و تربیت دینی در قالب دعا به خوانندگان خود معرفی می‌کند؛ آنجا که برای «کسب آبروی دنیا و آخرت نزد امام^(ع)» دعا می‌کنیم: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِی عِنْدَکَ وَجِیْهاً بِالْحُسَیْنِ عَلَیْهِ السَّلَامُ فِی الدُّنْیَا وَ الْاٰخِرَةِ» و یا در طلب «مقام محمود» دست به دعا برمی‌داریم: «وَ اَسْأَلُهُ اَنْ یَبْلَغْنِی الْمَقَامَ الْمُحْمَدُ لَکُمْ عِنْدَ اللَّهِ» و یا «طلب شفاعت» می‌کنیم: «اللَّهُمَّ اِرْزُقْنِی شَفَاعَةَ الْحُسَیْنِ یَوْمَ الْوُرُودِ.»

۸. طلب آبرو یا مقام محمود یا شفاعت، خود مقتضی نوعی سبک زندگی حسینی و الهی است. زیارت عاشورا با صراحت از «سبک زندگی محمدی» سخن می‌گوید و متربی را به سوی الگوپذیری از این الگو فرامی‌خواند: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْیای مَحْیَا مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ؛ اَنْ یَجْعَلْنِی مَعَّکُمْ فِی الدُّنْیَا وَ الْاٰخِرَةِ»؛ سبکی از زندگی که به‌صورت متوازن، عقل-عشق، دنیا-آخرت و عقلانیت-معنویت را به نمایش می‌نهد.

۹. یکی از ساحت‌های مغفول تربیت رسمی در عصر حاضر، تأکید افراطی بر آموزش و یا نگاه کاریکاتوری به ابعاد عقلانی و شناختی متربی است. تربیت باید به هیجانان و احساسات متربی توجه کند و از تربیت عاطفی غفلت ن‌ورزد. راهبرد زیارت در تربیت شیعی تأمین‌کننده‌ی همین خلأ می‌تواند باشد. زائر در این زیارت، مستقیماً امام و الگوی خود را خطاب قرار می‌دهد

۱- اشاره به نام کتاب خواجه عبدالله انصاری که شامل صد منزل در سیر و سلوک است.

و در فرازوفرودهای عاطفی و عاشقانه‌ی این زیارت‌نامه، تجربه‌ای از عشق و دلدادگی را به نمایش می‌گذارد. در جای جای زیارت، امام^(ع) را ندا می‌کند: «یا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ اِنِّیْ اَتَقَرَّبُ اِلَی اللّٰهِ وَ اِلَی رَسُوْلِهِ...» و به وی سلام می‌دهد و می‌تواند منتظر جواب سلام باشد و مجنون‌وار تهرین عشق و عشق‌بازی می‌کند و بهترین هستی‌های خود را (والدین) را فدایش می‌خواند: «بِاَبِیْ اَنْتَ وَ اُمِّی». ۱۰. زیارت عاشورا بر لزوم پیوند و درهم‌آمیختگی تربیت عاطفی و تربیت سیاسی تأکید می‌نماید. تربیت عاطفی و اخلاقی در مدرسه زیارت عاشورا بریده از جامعه و فانتری نیست و به همین نسبت، تربیت سیاسی و تحلیل تاریخی جریانات سیاسی صدر اسلام، خشک و بی‌روح نیست، بلکه تربیت اخلاقی و عاطفی در زیارت عاشورا به صرف دلبری و عشق‌بازی با معشوق (خداوند و امام) محدود نمی‌شود و نمایشی از عرفان سیاسی و سیاست عرفانی در آن مشاهده می‌گردد. نکته اینک در منطق زیارت عاشورا، تولی خدا و اولیای الهی و تبری و برائت از قاتلان قدیم و جدید مکتب حسینی، تنها به مرحله‌ی قلب و دنیای درون محدود نمی‌شود و به مرحله‌ی لسانی (صد لعن و صد سلام) و سپس عملی منتهی می‌گردد.

تربیت اجتماعی و خانوادگی

جامعه‌پذیری^۱ و اجتماعی شدن مرتبی از اهدافی است که در «تربیت اجتماعی» دنبال می‌شود و تئوری‌های «یادگیری اجتماعی» (آلسون، رامیز و هرگنهان، ۱۴۰۰) مبتنی بر تأثیر محیط اجتماعی در شکل‌گیری شخصیت و رفتار مرتبی، تلاش دارند تا کنش‌های اجتماعی دانش‌آموزان را به سوی اهداف تربیتی سوق دهند. در نگاه اسلامی، تربیت اجتماعی عبارت است از فرایند شکوفاسازی میل فطری آدمیان به زندگی جمعی و دیگرگرایی و پرورش آنان برای سازگاری، همگرایی، برادری، عدالت‌ورزی، احسان و مواسات به‌منظور دستیابی به حیات طیبه و تشکیل امت واحد اسلامی (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۶، ص ۵۳۹).

یکی از کارکردهای تربیتی مجالس ذکر و زیارت عاشورا، «یادگیری اجتماعی» است و کودکان در این مجالس «اجتماعی شدن» را تهرین می‌کنند و در قالب‌های مختلف نقش‌های اجتماعی را می‌پذیرند و «جمع‌گرایی»، «کار تشکیلاتی» و «فعالیت گروهی» را مهارت‌آموزی می‌کنند.

متن زیارت عاشورا متضمن دلالت‌هایی در ساحت تربیت اجتماعی است:

۱. خواننده در زیارت عاشورا از نگاه فردی و فردگرایانه به نظرگاهی جمعی می‌رسد و با نگاهی کلان به جامعه‌ی اسلامی و «اهل الاسلام» به‌مثابه یک کُل آشنا می‌شود و آنجا که دانش‌آموز مدرسه عاشورا زمزمه می‌کند: «لَقَدْ عَظَمَتِ الرَّزِیَّةُ وَ جَلَّتْ وَ عَظَمَتِ الْمُصِیْبَةُ بِکَ عَلَیْنَا وَ عَلَی جَمِیْعِ اَهْلِ الْاِسْلَامِ»، دیگر از محدوده‌ی جغرافیایی محله، شهر و کشور خود خارج شده و نگاهی کلان و همه‌نگر پیدا کرده است. دیگر تنها مصیبت خود و خانواده‌اش محزونش نمی‌سازد، بلکه «غم امت و اهل الاسلام» نیز بر دوش غمش سنگینی می‌کند.

1- Socialization

۲. در تربیت حسینی، هدف تربیت اجتماعی صرفاً جامعه‌پذیر کردن متربیان و پرورش شهروندان مطیع نیست (آن‌گونه که در برخی از خوانش‌های تربیت مدرن دیده می‌شود) و یا صرفاً پرورش تفکر انتقادی و تربیت کنشگر منتقد نیست (آن‌گونه که در برخی روایت‌های تربیت پُست‌مدرن دیده می‌شود). کنش اجتماعی امام حسین^(ع) که در زیارت عاشورا منعکس است، نوعی کنش انتقادی مبتنی بر حق‌مداری بوده است و دانش‌آموز مدرسه‌ی عاشورا را «منتقد حق‌مدار و مُصلح» بار خواهد آورد.

۳. خواننده‌ی زیارت عاشورا پس از خارج شدن از لاکِ «فردگرایی» درمی‌یابد که نمی‌توان از «عمل جمعی» و «کنش گروهی» در محیط ۳۶۰ درجه‌ی اجتماع غفلت کرد. در زیارت عاشورا سخن از تقابل دو امت و دو جبهه و دو جریان ظالم و مظلوم است: «فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَشَسَتْ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَ الْجَوْرِ عَلَيْكُمْ؛ وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسْرَجَتْ وَ أَلْجَمَتْ؛ اللَّهُمَّ الْعِنِ الْعِصَابَةَ الَّتِي جَاهَدَتْ [حَارَبَتْ] الْحُسَيْنَ وَ شَايَعَتْ وَ بَايَعَتْ وَ تَابَعَتْ عَلَى قَتْلِهِ.»

۴. زیارت عاشورا در متن و فرامتن خود، هویت‌متربی را پرورش می‌دهد و شکل‌گیری هویت جمعی، هویت شیعی، هویت اسلامی و هویت انسانی را ممکن می‌کند. در آینه درس عاشورا، دوستی با دوستان امام و دشمنی با اصحاب و دوستان دشمنان امام نیز در دایره‌ی حب و بغض و روابط اجتماعی جای می‌گیرد و شبکه‌ای از جذب و طردها در روابط میان‌فردی را بر مبنای حق و عدل و اخلاق شکل می‌دهد: «إِيكُمْ مُمُؤَالَاتِكُمْ وَمُؤَالَاةٍ وَلِيكُمْ؛ وَ لِي لِمَنْ وَالَاكُمْ وَ عَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكُمْ.» هویتی که گذشته و آینده را به هم پیوند می‌دهد و تا روز قیامت صورت‌بندی می‌شود: «إِنِّي سَلِّمٌ لِمَنْ سَأَلَكُمْ، وَ حَرَبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.»

۵. در نظریه‌ی تربیت حسینی، «تربیت اجتماعی» بر «تربیت خانوادگی» مبتنی است و باید باشد و کنش‌های اجتماعی محصول «یادگیری اجتماعی» در خانواده است. زیارت عاشورا از تقابل دو نظام ارزشی در دو خانواده سخن می‌گوید و آثار تربیتی و ضدتربیتی خانواده‌ها را در موضع‌گیری‌ها گوشزد می‌کند «وَ لَعَنَ اللَّهُ آلَ زِيَادٍ وَ آلَ مَرْوَانَ وَ لَعَنَ اللَّهُ بَنِي أُمَيَّةَ قَاطِبَةً؛ وَ الْعَنَ ... وَ آلَ أَبِي سُفْيَانَ وَ آلَ زِيَادٍ وَ آلَ مَرْوَانَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» و جریان شجره‌ی طیبه و شجره‌ی خبیثه در درازنای تاریخ را به تصویر می‌کشد. اساساً خانواده در زیارت عاشورا مفهومی تاریخی است و تأثیر تربیت خانوادگی را در گستره‌ی تاریخ و فرهنگ حاکم بر یک نسل گوشزد می‌کند و نقش و اهمیت «بُعد فرایندی تربیت تا چندین نسل» را به متخصصان و مربیان یادآوری می‌نماید.

۶. در تربیت حسینی، خانواده محور تربیت است، به‌نحوی که امام به قرائت زیارت عاشورا در خانه دستور می‌دهد. شیخ طوسی در مصباح‌المتجهد، در بخش زیارت امام حسین^(ع) در روز عاشورا، سه نقل دارد که نقل اولی به بیان ثواب زیارت اختصاص دارد. در این نقل، عقبه پس از نقل ثواب بالای زیارت امام حسین^(ع) از نزدیک در روز عاشورا، از امام صادق^(ع) تقاضا می‌کند تا درباره‌ی زیارت از راه دور هم راهنمایی نماید. حضرت^(ع) این‌گونه توضیح می‌دهد که به صحرا یا سطح مرتفع بروید و مجلس عزا برپا کنید. به امام^(ع) سلام دهید و اهل خانه (زن و فرزند) را به شرکت در مجلس عزا امر نمایید و در خانه‌ی خود مجلس مصیبت برگزار کنید و به همدیگر تسلیت

و تعزیت بگویند؛ سپس راوی می‌پرسد: چگونه تعزیت بگوئیم؟ حضرت می‌فرماید بگویند: «أَعْظَمَ اللَّهُ أَجْرَنَا مُضَابِنًا بِالْحُسَيْنِ وَ جَعَلْنَا وَ إِيَّاكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ بِتَأْرِهِ مَعَ وَلِيهِ» (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۷۷۲).

تربیت سیاسی

یکی دیگر از ساحت‌های تربیتی، تربیت سیاسی است. هدف تربیت سیاسی عبارت است از پرورش فضائل، دانش و مهارت‌های موردنیاز برای مشارکت سیاسی (الیاس، ۱۳۸۲، ص ۱۸۰). از دیدگاه صاحب‌نظران، حتی برنامه‌ی درسی، خود یک امری سیاسی است و درک کامل آن نیازمند توجه به بستری‌های دربرگیرنده‌ی آن است که در آن به مفاهیمی چون ایدئولوژی، برنامه‌ی درسی پنهان، سلطه، مقاومت، هویت و فرهنگ‌عامه پرداخته می‌شود (فتحی و اجارگاه، ۱۳۹۲).

صرف‌نظر از اینکه اصلِ قیام عاشورا خود یک کنش سیاسی بوده و «لزوم کنشگری مؤثر و سنجیده‌ی سیاسی» اولین پیام آن به متربیان و مخاطبان است، متن زیارت عاشورا نیز متضمن دلالت‌هایی برای تربیت سیاسی است که به مواردی اشاره می‌شود:

۱. زمزمه‌کننده‌ی زیارت عاشورا در این تجربه‌ی معنوی و لابه‌لای شور و هیجان و دل‌باختگی، «تحلیل عمیق سیاسی» و «مواجهه‌ی ریشه‌ای با تحولات سیاسی» را تمرین می‌کند تا بتواند به کشف و ره‌گیری بنیادهای جریان‌ات سیاسی برسد و از نگاه «تاریخ توصیفی» به رویکرد «تاریخ تحلیلی» دست یابد. آنجا که در فرازی از این زیارت، لعن خود را به مُسَبِّبان اصلی و بنیان‌گذاران این ظلم متوجه می‌نماید و می‌خواند: «فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَشَسَّتْ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَ الْجَوْرِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ» و یا در فرازی دیگر، انحرافات بنیادین اصلی را هدف قرار می‌دهد: «بِالْبَرَاءَةِ مَمَّنْ أُشَسَّ أَسَاسَ ذَلِكَ وَ بَنَى عَلَيْهِ بُنْيَانَهُ وَ جَرَى فِي ظُلْمِهِ وَ جَوْرِهِ عَلَيْكُمْ» و در عباراتی دیگر، «اولین ظالم به محمد و آل محمد» را به محک قضاوت تاریخ می‌نهد: «اللَّهُمَّ الْعَنُ أَوْلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ آخِرَ تَابِعٍ لَهُ عَلَى ذَلِكَ؛ اللَّهُمَّ حُصَّ أَنْتَ أَوْلَ ظَالِمٍ بِاللَّعْنِ مِنِّي».

۲. زائر در مسیر خوانش متفکرانه‌ی زیارت عاشورا، پیروان جریان‌ات سیاسی ظالم را نیز در تحلیل خود جای می‌دهد و می‌آموزد که تحولات سیاسی را باید زنجیره‌ای از کنش‌های رهبران و پیروان بدانند، از اولین تا آخرین زنجیره. هرچند باید به علل و مسببان و پیشرانان جریان‌ات سیاسی توجه کرد؛ اما نباید از تابعان و پیروان تا آخرین حلقه‌ی این زنجیره در درازنای تاریخ غافل بود: «بَرَأْتُ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَيْكُمْ مِنْهُمْ وَ مِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَ اتَّبَاعِهِمْ وَ أَوْلِيَائِهِمْ؛ اللَّهُمَّ الْعَنُ أَوْلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ آخِرَ تَابِعٍ لَهُ عَلَى ذَلِكَ».

۳. آموزش «نگاه فرایندی و طولی» به تحولات سیاسی از دیگر دستاوردهای مدرسه عاشورا است، آنجا که مُبَاشِران، مُسَبِّبان و تمهیدکنندگان قتل حسین (ع) را در کنار «ساکتان فتنه‌ی عاشورا» تحلیل می‌کند: «وَ لَعَنَ اللَّهُ الْمُتَمَهِّدِينَ لَهُمْ بِالتَّمْكِينِ مِنْ قِتَالِكُمْ؛ وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسْرَجَتْ وَ أَلْجَمَتْ وَ تَتَقَبَّطُ لِقِتَالِك».

۴. برخی با این استدلال که دیگر دولت امویان وجود ندارند و فرهنگ عاشورا دیگر کاربرد

ندارد، سالیانی دراز در مطبوعات جمهوری اسلامی به آن تاختند،^۱ در صورتی که دانش‌آموز مدرسه‌ی عاشورا در این زیارت می‌آموزد که با «کنش سیاسی سنجیده و عقلانی» در برابر «ظلم زمانه» بایستد و ایثارگری کند و از ظلم به «شیعیان» حتی در قرون بعدی و در عصر حاضر برائت بجوید، آنجا که چنین نوا سرمی‌دهد: «بِالْبَرَاءَةِ مِمَّنْ أَسَّسَ أَسَاسَ ذَلِكَ وَ بَنَى عَلَيْهِ بُنْيَانَهُ وَ جَرَى فِي ظُلْمِهِ وَ جَوْرِهِ عَلَيْكُمْ وَ عَلَى أَشْيَاعِكُمْ». سالک طریق عاشورا در شمر و یزید ۱۴۰۰ سال پیش نمی‌ماند و به دنبال تشخیص و مصداق‌یابی شمر و یزید معاصر خود است و با پیوند گذشته به آینده‌های محتمل، دلان‌های آینده تا روز قیامت را هدف‌گذاری می‌کند: «إِنِّي سَلَّمُ لِمَنْ سَأَلَكُمْ، وَ حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ».

۵. زیارت عاشورا به‌مثابه یک «برنامه‌ی آموزشی و درسی» را نباید به «گذشته‌گرایی» متهم کرد (همان‌طور که برخی قلم‌ها چنین کرده‌اند). «زیارت عاشورا» مبتنی بر اندیشه‌ی «آینده‌نگرانه» و «آینده‌شناسانه» است؛ همان اندیشه‌ای که «آینده را ساختنی می‌داند تا آمدنی»، آنجا که در پیوند فرهنگ عاشورا و فرهنگ انتظار سازنده و تلفیق تربیت حسینی و تربیت مهدوی و ادامه‌ی جبهه‌بندی حق و باطل را چنین زمزمه می‌کنیم: «فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَ مَقَامَكَ وَ أَكْرَمَنِي أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ تَارِكٍ مَعَ إِمَامٍ مَنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ» و یا «وَ أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ تَارِكٍ مَعَ إِمَامٍ مَهْدِي ظَاهِرٍ نَاطِقٍ مِنْكُمْ». در صفحات پیشین روایت علقمه از امام صادق^(ع) را نقل کردیم که فرمود در جلسات عزای امام حسین^(ع)، به همدیگر این‌گونه تسلیت بگویند و از فرهنگ انتظار سخن برانید: «أَعْظَمَ اللَّهُ أَجُورَنَا بِمُضَابِنَا بِالْحُسَيْنِ وَ جَعَلَنَا وَ إِيَّاكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ بِتَأْرِهِ مَعَ وَلِيهِ» (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۷۷۲).

۶. خواننده‌ی این زیارت می‌آموزد که جبهه‌بندی‌های سیاسی به جای آنکه بر مبنای «اصالت سود» و «اصالت لذت» و یا «ماده‌گرایی» و «قدرت‌مداری» باشد، باید بر مدار ولایت اهل‌بیت^(ع) و منطق ثقلین (قرآن و عترت)، همه‌ی کنش‌های سیاسی خود و جریان تابع خود -از جمله صلح و جنگ- را تنظیم کند: «إِنِّي سَلَّمُ لِمَنْ سَأَلَكُمْ، وَ حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ».

۷. مدرسه‌ی سیاسی زیارت عاشورا، علاوه بر توسعه‌ی شعاع دایره‌ی حب و بغض و تولی و تبری سیاسی (وَلِي لِمَنْ وَالَاكُمْ، وَ عَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكُمْ؛ إِلَيْكُمْ مُمُؤَالَاتِكُمْ وَ مُمُؤَالَاةٌ وَّلِيكُم) و صرف‌نظر از آموزش «دشمن‌شناسی مفهومی» و دادن قاعده در دشمن‌شناسی و بصیرت سیاسی، از ذکر مصداقی و نام بردن از اشخاص هم فروگذار نمی‌کند و فاصله‌ی آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی را کوتاه می‌کند و لزوم عمل‌گرایی و نزدیک شدن به میدان عمل را آموزش می‌دهد. در زیارت عاشورا می‌بینیم که نام اسامی متعددی از دشمنان آورده می‌شود: «وَ لَعَنَّ اللَّهُ آلَ زِيَادٍ وَ آلَ مَرْوَانَ وَ لَعَنَّ اللَّهُ بَنِي أُمِيَّةٍ

۱- «در این زمان که نه از دولت امویان خبری است و نه از دشمنان و کشتندگان بالفعل و نه اعقاب و نسل‌های بعد از آن، هیچ کدام در صحنه وجود نیستند، هنوز هم از داستان حسین استفاده کردن و عنصر انتقام و عنصر کینه‌توزی و عنصر خشونت و خونریزی را زنده نگاه داشتند و از طریق تحریک عواطف دشمنان عینی و غیرعینی، موهوم و غیرموهوم تراشیدن و این حادثه را خرج آن امور کردن، شایسته نیست» (روزنامه نشاط، ۷۸/۱۳۰).

قَاتِبَةً وَ لَعَنَ اللَّهُ ابْنَ مَرْجَانَةَ وَ لَعَنَ اللَّهُ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَ لَعَنَ اللَّهُ شَمْرًا؛ اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا يَوْمٌ تَبَرَّكَتْ بِهِ بَنُو أُمَيَّةَ وَ ابْنُ آكَلَةِ الْأَكْبَادِ اللَّعِينُ ابْنُ اللَّعِينِ...؛ اللَّهُمَّ الْعَنُ أَبَا سُفْيَانَ وَ مُعَاوِيَةَ وَ يَزِيدَ بْنَ مُعَاوِيَةَ عَلَيْهِمْ مِنْكَ اللَّعْنَةُ أَبَدَ الْأَيَّدِينَ وَ هَذَا يَوْمٌ فَرَحَتْ بِهِ آلُ زِيَادٍ وَ آلُ مَرْوَانَ بِقَتْلِهِمُ الْحُسَيْنَ؛ اللَّهُمَّ خُصَّ أَنْتَ أَوَّلَ ظَالِمٍ بِاللَّعْنِ مِنِّي وَ ابْدَأْ بِهِ أَوْلًا ثُمَّ الثَّانِي ثُمَّ الثَّلَاثَ وَ الرَّابِعَ اللَّهُمَّ الْعَنُ يَزِيدَ خَامِسًا وَ الْعَنُ عُبَيْدَ اللَّهِ بْنَ زِيَادٍ وَ ابْنَ مَرْجَانَةَ وَ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَ شَمْرًا وَ آلَ أَبِي سُفْيَانَ وَ آلَ زِيَادٍ وَ آلَ مَرْوَانَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.»

نتیجه گیری

نوشتار حاضر درصدد بود تا آموزه‌ها و دلالت‌های تربیتی زیارت عاشورا را به مثابه یک متن آموزشی و درسی مطالعه کند و از منظر فلسفه‌ی تعلم و تربیت به کشف و استخراج مجموعه دلالت‌های تربیتی این زیارت‌نامه اقدام نماید. پس از مرور و بازخوانی زیارت عاشورا و کدگذاری مقوله‌ها و نمایه‌زنی مفاهیم تربیتی، مجموعه‌ی نمایه‌ها بر اساس منطق ساحت‌محور، دلالت‌های تربیتی این زیارت در چهار ساحت «تربیت اعتقادی و عبادی»، «تربیت اخلاقی و عاطفی»، «تربیت اجتماعی و خانوادگی» و «تربیت سیاسی» صورت‌بندی شد و در ادامه تلاش گردید دلالت‌های مذکور در هر ساحت تبیین شود.

در پایان ذکر چند نکته لازم است:

نکته‌ی ۱. برخلاف آنچه از سوی برخی القا می‌شود که زیارت عاشورا «تعصب کور و خشونت» را ترویج می‌کند، باید گفت که زیارت عاشورا عقلانیت در تحلیل تاریخ و نگاه نافذ و بصیر در یافتن شمر زمان و حسین معاصر را ترویج می‌کند. مغالطه‌ی تقابلی «شهادت و عقلانیت» همان نزاع «عقل و عشق» معهود در فلسفه و عرفان است که در مکتب حسینی رنگ باخته و «عقل سرخ» و «شهادت‌طلبی عقلانی» را تولید کرده است.

نکته‌ی ۲. متن زیارت عاشورا زیر چتر اسناد بالادستی «تربیت اسلامی»، یعنی قرآن و سنت، قرار دارد و از آنجاکه معصومان^(ع) «نور واحد» و «انسان ۲۵۰ ساله» هستند،^۲ برای استخراج «نظام تربیت اسلام» باید به دیگر متون صادره از دیگر معصومان^(ع) نیز نظر داشت.

نکته‌ی ۳. «تربیت اسلامی» ساحت‌های دیگری چون تربیت زیبایی‌شناختی، تربیت عقلانی، تربیت هنری، تربیت بدنی، تربیت اقتصادی، تربیت حرفه‌ای و... نیز دارد و لازم نیست همه‌ی این آموزه‌ها از متن زیارت عاشورا دریافت شود؛ به عبارت دیگر، در مقام تبیین همه‌ی ابعاد و ساحت‌های تربیتی و تشریح مبانی، اهداف، اصول و روش‌های تربیت اسلامی باید نگاهی مجموعی و نظام‌وار

۱- البته درباره‌ی این چهار لعن متوالی (أَوْلًا ثُمَّ الثَّانِي ثُمَّ الثَّلَاثَ وَ الرَّابِعَ) و نسخه‌های مختلف زیارت عاشورا، تحقیقات جداگانه‌ای انجام شده است. برخی از محققان پس از بررسی نسخه‌های مختلف، این فراز (تنها این فراز و نه لعن‌های دیگر ناظر به اشخاص دیگر) را به لحاظ نسخه‌شناسی، مرجوح دانسته‌اند (ایزدی و ملکی‌معاف، ۱۳۹۲).

۲- «إن أرواحكم و نورکم و طینتکم واحده» (زیارت جامعه کبیره).

به همه‌ی منابع تربیت اسلامی داشت.

نکته‌ی ۴. کارآمدی مواد درسی و روش‌های تربیت، اقتضایی است و به تراز تحولی متربیان و دیگر عوامل وابسته است. بسته به مقتضیات زمان و مکان، ممکن است بسامدی از «کارآمدی» و «اثربخشی» را در مراسم قرائت زیارت عاشورا در مدارس و محافل مختلف شاهد باشیم و نباید از یاد برد که انعطاف در روش برای وصول به اهداف یکی از «اصول تربیت اسلامی» است و برگزاری مراسم زیارت عاشورا خود باید تحت اصول تربیتی چون رعایت توان متربی، رعایت مصالح تربیتی، نداشتن آسیب‌زایی و غیره باشد.

نکته‌ی ۵. البته جریان «تربیت حسینی» همیشه دچار آسیب‌هایی بوده است که باید معالجه کرد و نباید از نگاه انتقادی و آسیب‌شناسانه به جریان اصیل و مؤثر «تربیت در هیئات مذهبی» غفلت نمود. جریان «تربیت حسینی» باید از «گفتمان عقلانیت و معنویت حسینی» سیراب شود و نباید در غفلت نخبگان حوزوی و دانشگاهی، به ورطه‌ی مداح‌محوری، شورمداری و عرفی‌گرایی فروافتد. «پایش آن‌به‌آن» هیئات مذهبی و برنامه‌های تربیتی آن‌ها نشانه‌ی اهمیت و کارآمدی آن در عصر حاضر است و نباید امتیاز نقد و اصلاح آن -در اثر کوتاهی مدافعان این جریان تربیتی مؤثر- به معاندان و معارضان آن سپرده شود.

منابع

- آصفی، محمدمهدی؛ «دفاع از زیارت عاشورا»؛ علوم حدیث؛ شماره ۵۳، ۱۳۸۸ ش.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد؛ کامل الزیارات؛ نجف: دار المرتضویة، ۱۳۵۶ ش.
- ألسون، متیو آج؛ رامیز، جولینو جی؛ هرگنهان، بی. آر؛ مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری؛ ترجمه‌ی علی‌اکبر سیف؛ تهران: دوران، ۱۴۰۰ ش.
- الیاس، جان؛ فلسفه تعلیم و تربیت قدیم و معاصر؛ ترجمه‌ی عبدالرضا ضرابی؛ قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^(ع)، ۱۳۸۲ ش.
- ایزدی، مهدی، ملکی‌معاف، اسلام؛ «تحلیل و نقد یکی از فقرات نسخه رایج زیارت عاشورا»؛ کتاب قیّم؛ شماره ۸، ۱۳۹۲ ش.
- بدیعیان، راضیه، نجفی، محمد، حیدری، محمدحسین؛ «عاشورا تبلور دیدگاه‌های نوین تربیتی: سیره تربیتی امام حسین^(ع) بستر ساز خودگردانی متعالی»؛ تربیت اسلامی، شماره ۳۱، ۱۳۹۹ ش.
- بدیعیان، راضیه و نوروزی، رضاعلی؛ «الگوی روابط انسانی در تربیت دینی با تأکید بر سیره امام حسین ع»؛ اندیشه دینی دانشگاه شیراز، شماره ۳۳، ۱۳۸۸ ش.
- بهشتی، سعید (مترجم)؛ فلسفه تعلیم و تربیت در جهان غرب؛ تهران: اطلاعات، ۱۳۸۶ ش.
- جمعی از نویسندگان؛ درآمدی بر نظامنامه تربیتی المصطفی؛ قم: نشر المصطفی، ۱۳۹۶ ش.
- رضایی، محمدجعفر؛ «پژوهشی در اسناد و نسخه‌های زیارت عاشورا»؛ علوم حدیث، شماره ۴۹ و ۵۰، ۱۳۸۷ ش.
- سروش، عبدالکریم؛ روزنامه نشاط، ۱۳۷۸/۳/۱۲ ش.
- فتحی‌واجارگاه، کوروش؛ برنامه درسی به‌سوی هویت‌های جدید؛ جلد اول: شرحی بر نظریات معاصر برنامه درسی؛ تهران، آئیژ، ۱۳۹۲ ش.
- قربانی‌مقدم، محمد؛ «بررسی اسناد زیارت عاشورا»؛ حدیث پژوهی؛ شماره ۱۵، ۱۳۹۵ ش.
- قمی، عباس؛ کلیات مفاتیح‌الجنان؛ ترجمه‌ی الهی قمشه‌ای؛ قم: مطبوعات دینی، ۱۳۸۴ ش.
- قوچانی، محمد؛ روزنامه عصر آزادگان، ۱۳۷۹/۱/۲۰ ش.
- طوسی، محمدبن‌حسن؛ مصباح‌المتهدّد و سلاح‌المتعبّد؛ بیروت: مؤسسه فقه‌الشیعة، ۱۴۱۱ ق.
- محمدی مظفر، محمدحسن؛ «وجوه تضعیف و تصحیح اسناد زیارت عاشورا»؛ علوم حدیث، شماره ۳، ۱۳۸۵ ش.
- محمدی، مریم، کریمی، روح‌الله، محمودی، مهدی؛ «معناشناسی تربیت اسلامی مبتنی بر متن مقاتل در واقعه عاشورا»؛ پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، شماره ۵۰، ۱۴۰۰ ق.
- موسوی، سیدنقی؛ «تبیین و ارزیابی آموزش مقایسه‌ای در تربیت دینی»؛ مطالعات فقه تربیتی، شماره ۶، ۱۳۹۵ الف.
- موسوی، سیدنقی؛ «درآمدی بر فلسفه فقه تربیتی»؛ پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی؛ شماره ۳۰، ۱۳۹۵ ب.
- موسوی، سیدنقی؛ «دلالت‌شناسی از گزاره‌های فقه تربیتی»؛ مطالعات فقه تربیتی؛ شماره ۵، ۱۳۹۵ ج.

- میلر، جی. بی؛ نظریه‌های برنامه درسی؛ ترجمه‌ی محمود مهرمحمدی؛ تهران: سمت، ۱۳۹۳ ش.
- یوسف‌زاده، محمدرضا و شاه‌مرادی، مرتضی؛ «آموزه‌ها و دلالت‌های نهضت عاشورا برای تربیت سیاسی»؛ تربیت اسلامی، شماره‌ی ۲۷، ۱۳۹۷ ش.

